بررسی جوانب مختلف عملیات خیبر در گفت‌وگوی «جوان» با جانباز، مرتضی بختیاری فرمانده گردان ۱۴ معصوم(ع) در زمان جنگ

خیبر را همت‌ها و باکری‌ها فتح کردند

■ **احمد محمدتبریزی**

پس از عملیات رمضان دو منطقه رملی فکه و منطقه آبگرفته هور، برای نبرد با دشمن مورد مطالعه قرار گرفت و به ترتیب عملیات والفجر مقدماتی و خیبر در این دو منطقه به اجرا در آمد. عملیات خیبر عملیات مهمی در تاریخ دفاع مقدس است و اولین عملیات آبی – خاکی قوای مسلح ایران هم به شمار می‌رود که اساس طرح‌ریزی نبردهای گسترده دیگری چون بدر، والفجر ۸ و کربلای ۵ شد. این عملیات در دو محور مستقل اجرا شد: در محور زید، نیروی زمینی ارتش و در محور هورالعظیم، سپاه فرماندهی عملیات را به عهده داشت. در محور زید پیشروی میسر نشد. ولی در محور هور که خود به چهار محور فرعی العزیز، القرنه، جزایر مجنون و طلائیه تقسیم شده بود، اغلب اهداف تصرف شد. از سوی دیگر دشمن در این عملیات به طور بی‌سابقه‌ای از سلاح شیمیایی استفاده کرد. فرماندهان بزرگی چون شهید همت، شهید حمید باکری و اکبر زجاجی در این عملیات به شهادت رسیدند. جانباز مرتضی بختیاری در عملیات خیبر فرمانده گردان ۱۴ معصوم(ع) از لشکر ۸ نجف بود و پیشروی خوبی در این عملیات داشت. بختیاری در گفت‌وگو با «جوان» روند انجام عملیات را تشریح می‌کند و اطلاعات و جزئیات زیادی را بازگو می‌کند.

جبهه‌های ما در سال‌های اولیه جنگ آمادگی انجام عملیاتی بزرگ در وسعت عملیات خیبر را داشت و رزمندگان به لحاظ روحی و روانی آماده اجرای عملیات بودند.

پیش از عملیات خیبر برای مدتی جبهه‌ها دچار رکود شده بود، اما با انجام عملیات والفجر ۴ دوباره اوضاع در جبهه‌ها برگشت و همه چیز برای انجام یک عملیات بسیار بزرگ آماده شد. زمان شروع عملیات خیبر سوم اسفندماه سال ۱۳۶۲ بود که رزمندگان طی آن توانستند سر پل برونده و منطقه را بگیرند. از نظر سیاسی و نظامی و... همه چیز مهیای انجام یک عملیات بزرگ بود و رزمندگان شرایط خوبی را تجربه می‌کردند. وضعیت روحی و روانی جبهه‌ها و رزمندگان در بهترین شرایط قرار داشت. بیشترین نیرویی که تا آن زمان در جبهه‌ها حاضر شده بودند برای همین عملیات خیبر مهیا شدند. طرح «لبیک» شور و اشتیاق زیادی بین مردم و رزمندگان ایجاد کرده بود. بسیج عمومی به تمام معنا انجام گرفته بود تا عملیات خیبر انجام شود. در کنار اینها عملیات خیبر اولین عملیاتی بود که به صورت آبی، خاکی و هوایی انجام می‌گرفت. در هر سه جبهه نیروهای خوب و زیادی توانستند با هم هماهنگ شوند. ارتش و سپاه هماهنگی خوبی در این عملیات داشتند. نیروی دریایی هم در آب رزمنده‌ها را با قایق آموزش می‌داد و موقع عملیات آنها را به هورالهویزه می‌برد و می‌آورد. هوانیروز هم هلی‌بردمان می‌کرد تا برای نفوذ در عمق مشکلی نداشته باشیم.

رزمندگان کاملاً توجیه بودند که قرار است این عملیات به این سبک و سیاق انجام شود؟

یک سال به صورت مخفی روی عملیات خیبر کار شده بود. بچه‌های اطلاعات و شناسایی یک سال روی این عملیات کار کرده بودند و هیچ اطلاعاتی تا قبل از عملیات به بیرون درز نکرد. زمانی که عملیات شروع شد ما در مناطق دیگری کار می‌کردیم و یک دفعه به صورت غافلگیرکننده‌ای برای انجام عملیات ما را از منطقه‌ای به منطقه دیگری بردند و آنجا توجیه کردند که قرار است چه اتفاقی بیفتد. قبل از عملیات خیبر، فرمانده سپاه امیدوار بود تا با یک عملیات قدرتمند، هم به رزمندگان در غرب کشور که فکر می‌کردند عملیات در جنوب نامکن شده، پیامی بدهد و هم بتواند دشمن را دچار یک غافلگیری بزرگ کند. طرح عملیات خیبر بعد از آزادسازی خرمشهر خیلی اهمیت داشت و می‌توانست تأثیری جدی در روند جنگ داشته باشد. نیروهای شناسایی تا پاسگاه‌هایی که افراد محلی حضور داشتند رفته بودند، فیلمبرداری کرده بودند و اطلاعات خوبی به دست آورده بودند. در منطقه فیلم‌های گرفته شده را نشانمان دادند. توجیه نیروها طوری صورت گرفت که همه برای انجام این عملیات آمادگی کامل داشتند و می‌توان گفت تمام کشور آماده انجام یک عملیات بزرگ بود.

در خصوص حفاظت اطلاعات، برنامه خاصی در نظر گرفته شده بود تا دشمن متوجه برنامه‌هایمان نشود؟

در عملیات والفجر مقدماتی که در منطقه پدافندی برای آموزش‌های عملیات آماده می‌شدیم دشمن بیشتر از طریق ماهواره‌های هوایی متوجه حضورمان می‌شد و لو می‌رفتیم. تجمع نفرات، نیروها و چادرها را می‌دیدند و اگر ستون پنجم هم می‌توانست خبری را منتقل کند امکان لو رفتن عملیات به وجود می‌آمد ولی در این عملیات چون قرار بود اول در جبهه‌های میانی و سمت مهران باشد و یک دفعه به سمت جنوب تغییر یافت، اصل غافلگیری کاملاً رعایت شد. رعایت اصل غافلگیری نکته بسیار مهمی در فریب دشمن است و اگر تا آخرین لحظه این غافلگیری به درستی صورت می‌گرفت دشمن به سختی امکان پی بردن به برنامه‌هایمان را پیدا می‌کرد. همچنین نیروهای اطلاعات، خیلی روی این عملیات کار کرده بودند. اطلاعات کاملاً حفظ شده بود و برعکس والفجر مقدماتی که مشکلاتی در زمینه حفظ اطلاعات به وجود آمد تا زمان عملیات توانستیم اطلاعات را حفظ کنیم و به موفقیت برسیم. در ضمن فعالیت‌های شناسایی این عملیات با توجه به رعایت اصل حفاظت، به نیروهای بومی سپاه خوزستان واگذار شد. دیگر آنکه تغییر در سازمان رزم سپاه پاسداران ایجاد انجام عملیات آبی – خاکی را به وجود آورد. بر همین اساس، یگان دریایی سپاه با نام قرارگاه نوح تشکیل شد. در عین حال، برای جلوگیری از هوشیاری دشمن، قرارگاه دریایی سپاه در بوشهر فعال شد تا به این وسیله تلاش جدید به منظور افزایش فعالیت در خلیج فارس تلقی شود.

با انجام این عملیات دوباره می‌توانستیم دست بالا را در جنگ داشته باشیم؟

اهداف عملیات خیلی گسترده بود و هر چند همه لشکرها نتوانستند به اهداف نهایی مورد نظر برسند ولی نتیجه نهایی عملیات و ضربه‌ای که به عراق وارد کرد نتایج بسیار قابل قبول و مثبتی برایمان داشت. لشکر خودمان و لشکر ۳۱ عاشورا تا نزدیکی جاده بصره هم رفتیم اما چون از جناح دیگر پشتیبانی نشدیم مجبور شدیم به سمت طلائیه برگردیم. در مراحل اولیه صد در صد موفق شدیم اهدافمان را تأمین کنیم. بعد از آن هم چون جزایر را گرفته بودیم همین یک موفقیت بزرگ برایمان بود. با اینکه در این عملیات سپاه نتوانست به هدف اصلی خود که تصرف بصره بود دست یابد اما نیروهای رزمنده توانستند جزایر مجنون را تصرف کنند که از نظر نظامی یکی از شگفت‌انگیزترین طراحی‌های جنگ به حساب می‌آید.

هرچند در مراحل بعدی یا در سراسر جبهه بعضی اهداف را نتوانستیم بگیریم. این ملحق نشدن لشکرها به هم به لشکرهای دیگر هم ضربه می‌زد. همین که خودمان از جناحین پشتیبانی نشدیم برایمان مشکل به وجود آورد. ما در منطقه محاصره شدیم و تلفات دادیم. عملیات خیبر را باید جزو عملیات‌های موفق دوران دفاع مقدس بدانیم. چون در خاک عراق اتفاق افتاد و رزمندگان توانستند از آب ۳۰ کیلومتری بگذرند که همین کار خیلی بزرگی بود. اگر الان به جبهه‌های سوریه و عراق نگاه کنید می‌بینید یک جزیره بینشان است و نمی‌توانند از آن عبور کنند. اما ما از ۳۰ کیلومتر آب عبور کردیم و خودمان را به آن سمت رساندیم. این در شرایط جنگی خیلی کار بزرگی است. اگر به جنگ موصل نگاه کنید می‌فهمید ما با عبور از رودخانه هورالهویزه چه کار بزرگی انجام دادیم.

حضور فرماندهان بزرگ مثل باکری و همت چقدر در روند بالا بردن میزان موفقیت عملیات تأثیر داشت؟

برادرهای باکری و شهید همت از چهره‌های شاخص این عملیات بودند. حمید باکری خودش ما را تا منطقه‌ای هدایت کرد و درست همان جا شهید شد. یعنی ببینید تا چه اندازه همراه با نیروها راه آمده بود. کسی که جانشین لشکر و فرمانده بوده اینطور با پای پیاده ما را تا بعد از جزایر برد و به نقطه‌ای رسید که وسط تانک‌ها گیر افتاد و به شهادت رسید. کاری که شهید حمید باکری انجام داد کار بسیار بزرگ و ارزنده‌ای بود. عظمت کار شهید باکری هم آن زمان و هم در حال حاضر فراموش نشدنی است. شجاعتی که این مرد بزرگ به خرج داد برای همیشه در تاریخ جنگ ماندگار شد. شهید همت در جریان عملیات خیبر به همرزمانش گفته بود که باید مقاومت کرد و مانع از بازپس گیری مناطق تصرف شده، توسط دشمن شد. یا همه اینجا شهید می‌شویم یا جزیره مجنون را نگه می‌داریم. در آخر هم نیروها پیکر بدون سر و دست حاج ابراهیم را توانستند از روی لباس‌هایی بشناسند که مسئول تدارکات لشکر به او داده بود. برادران باکری و شهید همت از جاودانه‌های جنگ هستند که با سیر و منشان درس‌های بزرگی به همه‌مان دادند.

نیروهوایی و هوانیروز تا چه اندازه در پیشبرد عملیات نقش داشتند؟

هوانیروز ما را هلی‌برد و در عراق پیاده می‌کرد و خیلی نقش بسزایی داشت. اولین عملیاتی بود که ما از این طریق عمل می‌کردیم و برای ارتش هم تجربه نخستین بود. دریایی هم در حد قایق برای انتقال نفرات بود. همین کارهای به ظاهر معمولی در شرایط جنگی که زیر نظر شدید دشمن انجام می‌شد واقعاً سخت و دشوار بود. این در حالی است که ما امکانات زیادی هم نداشتیم و به سختی کارها را انجام می‌دادیم. شناسایی یکساله منطقه و پیدا کردن راه‌های نفوذ کمک بسیار زیادی به رزمندگان کرد. وقتی عملیات شروع شد عراقی‌ها خیلی غافلگیر شدند و فکر نمی‌کردند ما شب اول جزایر را بگیریم. روز اول هیچ کاری نتوانستند بکنند ولی روز دوم جزایر را محاصره کردند. بیشترین گلوله و مهمات را عراق تا آن زمان در عملیات خیبر استفاده کرد. ۲۵ روز جزیره را با خاک یکسان کرده بودند. همچنین حملات و بمباران شیمیایی ارتش عراق کار را برای رزمندگان خیلی سخت و دشوار کرده بود. صدام برای نخستین بار گسترده‌ترین حملات شیمیایی را برای در هم شکستن پیشروی رزمندگان اسلام به کار گرفت. فرمانده سپاه سوم عراق در یکی از اظهاراتش گفته بود که ما آنقدر آتش بر جزایر مجنون فرو ریختیم و آنچنان آنجا را بمباران شدید نمودیم که از جزایر مجنون جز تلی خاکستر چیز دیگری باقی نیست.

این عملیات چه تبعاتی برای طرف مقابل و چه بازتاب‌هایی در سطح بین‌المللی داشت؟

عراقی‌ها اصلاً پیش‌بینی نمی‌کردند نیروهای ایرانی بتوانند از هورالهویزه بگذرند. صدام گفته بود هیچکس از آب هورالهویزه نمی‌تواند عبور کند. اعلام کرده بود هر کسی که بتواند این سمت بیاید شاهکار کرده است. می‌گفت از سمت پاسگاه زید تا دندان مسلح هستیم و تمام سپاه سوم را آرایش داده بود و فکر نمی‌کرد ایرانی‌ها به این سمت برسند. وقتی ما رفتیم خیلی برایشان سنگین بود و کاملاً غافلگیر شده بودند. ما پشت سرشان پیاده شدیم. تا نزدیک مقر سپاه سوم عراق هم رفته بودیم و آنجا عملیات تغییر کرد و باید به سمت طلائیه برمی‌گشتیم و آنجا را باز می‌کردیم. این عملیات ضربه مهلک و بزرگی به عراق زد. این اندازه پیشروی را غیر از فاو در عملیات دیگری نداشتیم. نفوذ رزمندگان شوک بدی به عراقی‌ها وارد کرد. عملیات خیبر تأثیر بسزایی در روند جنگ داشت. از نظر نظامی، ورود قوای ایران به خاک عراق یک تحول جدید به حساب می‌آمد زیرا جزایر مجنون یکی از مناطق استراتژیک به شمار می‌رفت. نبوغ ایرانی‌ها در عملیات خیبر به گونه‌ای بود که رهبران عراق دست به تلاش‌های متعددی زدند. صدام به کشورهای خلیج فارس هشدار می‌دهد که عراق خاکریز دفاع از آنهاست، اگر این سد فرو ریزد طوفان در مرزهای خلیج فارس متوقف نخواهد شد.

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «جوان» با یکی از اقوام آتش‌نشان شهید حسین حسین‌زاده از شهدای حادثه پلاسکو

می‌خواست به او افتخار کنیم و شهادتش افتخار همه ما شد

■ **فریده موسوی**

حسین حسین‌زاده یکی از آتش‌نشانان شهید حادثه پلاسکو است که مثل دیگر قهرمانان گمنام این حادثه، جان خود را برای نجات جان هموطنانش فدا کرد و در حالی که ۲۸ سال بیشتر نداشت، به شهادت رسید. حسین ورزشکار توانمندی بود که همه هم و غم خود را مصروف شغل پرمخاطره‌اش کرده بود. چنانچه تنها چند ماه قبل از شهادت، در حادثه دیگری دچار سوختگی شده بود با این وجود داوطلبانه در پلاسکو حضور یافت و به شهادت رسید. گفت و گوی ما با لیلا حسین‌زاده از اقوام شهید را پیش رو دارید.

حسین آقا متولد چه سالی بود؟ اگر می‌شود مختصری از زندگی ایشان بگویید.

برادر زاده‌ام متولد سال ۶۷ بود. ما اصالتی شمالی داریم و اهل رودسر هستیم. برادرم هرمز تنها دو پسر داشت که حسین فرزند کوچک خانواده‌اش بود. شهید سال ۸۹ در حالی که ۲۲سال داشت ازدواج کرد. آن موقع حسین برای اینکه پدرش به خرج نیفتد، نگذاشت برایش مراسم بگیرند و تنها یک مراسم ساده برگزار کرد. الان که حسین شهید شده، برادرم خیلی ناراحت است و می‌گوید حتی یک عروسی برایش نگرفتم.

شهید چه خصوصیات اخلاقی داشت؟

از بچگی‌اش روحیه ایثارگری داشت. یکبار در مدرسه موقع امتحان ورزش پای برادرش پیچ خورده بود. حسین به معلمشان گفته بود من جای هر دویمان امتحان می‌دهم، کاری به داداشم نداشته باشیم. هر وقت در جمع اقوام قرار می‌گرفتیم، حسین می‌گفت آدم تا زنده است باید قدر همدیگر را بداند. پس بیاییم با همدیگر بیشتر رفت و آمد کنیم. کسی که از فردایش خبر ندارد.

گویا شهید حسین‌زاده ورزشکار هم بودند؟

بله، در رشته کیک بوکس مربی بود. حسین از کودکی ورزش را شروع کرد و در عین حال درسش را هم در مقطع فوق‌لیسانس تربیت بدنی می‌خواند.

به حرفه پرمخاطره‌اش علاقه داشت؟

بله به شغلش خیلی علاقه داشت. حسین حدود دو یا سه ماه قبل در حادثه آتش‌سوزی دیگری از ناحیه کمر آسیب دیده بود. اما حرفی به پدر و مادرش نزده بود تا مبادا ناراحت شوند. تنها همسرش مطلع شده بود که چنین مشکلی برایش پیش آمده است. روز حادثه پلاسکو هم استعلاجی داشت، اما خودش داوطلبانه برای کمک می‌رود و به شهادت می‌رسد.

از روز حادثه بگویید.

آن روز چون محل کار همسر حسین نزدیک محل حادثه بوده، از همسرش می‌خواهد خودش را به آنجا برساند. بعد قسط خانه‌شان را به خانمش می‌دهد و می‌گوید قسط را بریز و خودش دوباره عزم رفتن به داخل ساختمان را می‌کند. خانمش می‌گوید آنجا خطرناک است نرو، اما حسین می‌گوید همکارانم داخل هستند من هم باید بروم. خانمش می‌گفت انگار برای رفتن عجله داشت. رفت و کمی بعد هم که ساختمان ریزش کرد. گویا برادر زاده‌ام در آن حادثه چهار بار به داخل ساختمان رفته و جان مردم را نجات داده بود. دوستش می‌گفت آن روز حسین برای بار پنجم وارد ساختمان شد که حادثه فروریزی پلاسکو پیش آمد. پیکر حسین سومین نفر از مفقودین بود که پیدا شد. روز قبل از حادثه هم به خانه پدر و مادرش رفته و با آنها خداحافظی کرده بود. انگار که می‌دانست اتفاقی برایش خواهد افتاد.

خاطره‌ای از شهید دارید؟

حسین کارهای هیجانی را خیلی دوست داشت. در مسابقه آقای آتش هم شرکت کرده بود که در مرحله سوم به دلیل در رفتن پایش نتوانست ادامه بدهد. برادر زاده‌ام اهل نماز و روزه بود. هیچ کاری را برای خودش عار نمی‌دانست. خیلی دوست داشت آدم بزرگی شود و پدر و مادرش به او افتخار کنند. برای والدینش احترام خاصی قائل بود. دست خیر هم داشت و به افراد نیازمند کمک می‌کرد. یک مدتی حسین در نجاری کار می‌کرد. یکبار سرکارگرش پیش پدر حسین آمده و گفته بود می‌خواستم یکی از کارکنانم را اخراج کنم. حسین برای اینکه او اخراج نشود روز بعدش آمد و به من گفت جایی کار پیدا کردم و می‌خواهم بروم. اما ما فهمیدیم که او برای اخراج نشدن دوستش این حرف را زده و می‌خواهد برود تا او را اخراج نکنیم. حسین می‌گفت خیلی دوست دارم کار بزرگی انجام بدهم و پدر و مادرم به من افتخار کنند. به نظرم شهادتش در مسیر نجات همنوعانش همان کار بزرگی بود که عاقبت از پسر بخشنده‌ای مثل او سر زد و نامش را برای همیشه جاودانه کرد.

جدول

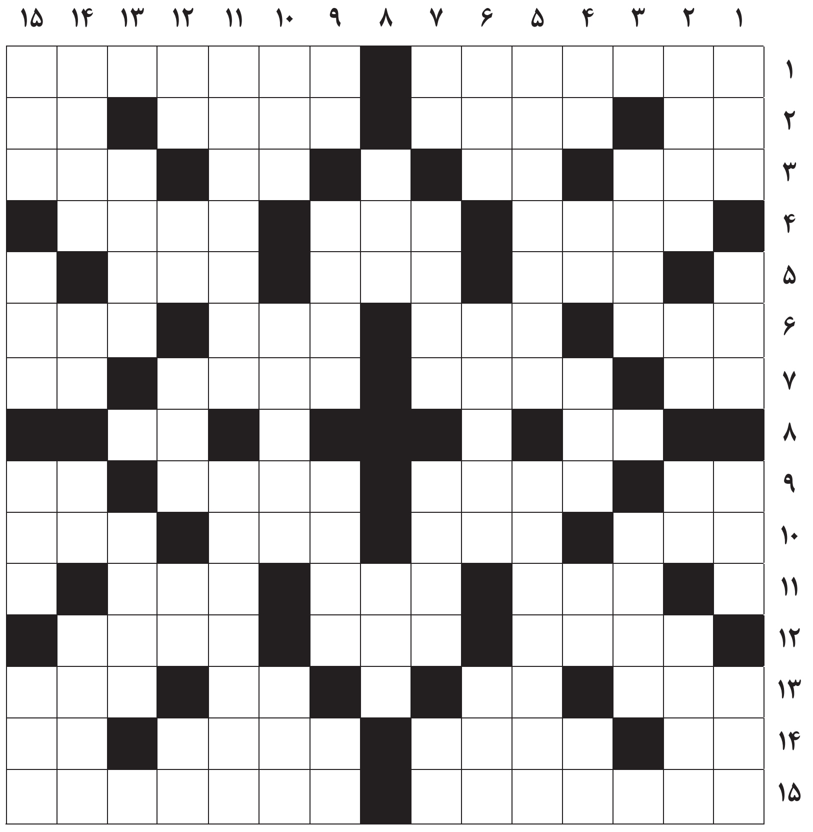

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۰۴۰

از راست به چپ

■ ۱- بازیکن خط حمله فوتبال- دختری که از قهرمانان ملی فرانسه است ■ ۲- صدمتر مربع- ایالتی در هند- جدید و تازه- یک دور بازی تنیس ■ ۳- بت بی سر و پا- انتها- تو و میان چیزی- نارس ■ ۴- خالق بهارستان- اتومبیل جاده‌های ناهموار- ظن، وهم ■ ۵- انجیر قرآنی- پشت‌سر- خانه چهارپایان اهلی ■ ۶- شکلک درآوردن- کشوری قدیمی در بین‌النهرین- گذشتن و عبور کردن از جایی- چهارمین جزیره بزرگ دریای مدیترانه ■ ۷- یزدان- طایفه‌ای ایرانی و شیعه بود که در سال‌های ۸۸۰ تا ۱۱۰۱ هجری خورشیدی بر ایران فرمانروایی کرد- ازدواج- دست آذری ■ ۸- مجازات شرعی- هواپیمای فشفشه‌ای ■ ۹- نام قدیم اصفهان- کشاورز- جوهر پرینتر- نقشه فرنگی ■ ۱۰- سلاح کاشتنی- شیمی کربن- پدر آذری- طایفه، قبیله ■ ۱۱- نیاز اول روزنامه‌ها- مورد تمسخر و طعنه قرار گرفته- رود رنگی ■ ۱۲- نقطه آغاز- مرد بی‌زن- قسمت پایین لباس ■ ۱۳- عمیق‌ترین جای دریا- ناشنوا- نیم ساعت!- از اعیاد مسیحیان ■ ۱۴- پهلوان- ورزش چوگان بدون اسب- کتاب رکورد جهانی- نوعی شیرینی ■ ۱۵- بهترین فرد از گروهی- نویسنده امریکایی و خالق رمان پیرمرد و دریا

از بالا به پایین

■ ۱- واحد شمارش گردو- به عمل برآید- شتر- مسابقات سراسری ■ ۲- پرحرف- اکبر و اصغر فضایی- حرف دهن کجی- باشکوه ■ ۳- گرفتگی زبان- برگزیده و ممتاز ■ ۴- گشوده- علامت فعل استمراری- ندا و آوا- بهتر از بدتر- شامل همه می‌شود ■ ۵- دادگاهی که برای بار دوم به دعوی رسیدگی می‌کند- پایتخت ونزوئلا ■ ۶- مسیر- گرز آهنی- رودست خوردن ■ ۷- نفس- کوهی که کشتی حضرت نوح فرود آمد- کرگدن- عنصر شیمیایی ■ ۸- بدبوی پرخاصیت- پارچه نخی نازک گلدار ■ ۹- عامل وراثت- سردوشی لباس نظامیان- دردمند- مخفف گاه ■ ۱۰- رتبه دوست‌داشتنی- هوشمندی- نقره ■ ۱۱- از زیباترین آبشارهای دنیا که در دو کشور کانادا و امریکا قرار دارد- کنایه از محل رزق و روزی ■ ۱۲- رود آرام- روحانی زرتشتی- سنگ- تصدیق آلمانی- آفت نباتی ■ ۱۳- کاغذ نقشه‌کشی- محل اقامت خدایان روم باستان ■ ۱۴- امر به رساندن می‌کند- علامت مفعول- شراب شاعرانه- بدذات و خبیث ■ ۱۵- مکمل علم عزاداری- شکستگی لایه رسوبی زمین- پوشش محافظ چشم- مهمترین عارضه بیماری مننژیت

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۷			۱		
				۳		۶	۴	
۳		۸						
	۵	۷						۸
					۴		۲	
	۳		۲	۱	۷			
۷						۹	۶	
۱		۹	۴					
			۱	۷				

۴	۹	۲	۷	۶	۵	۱	۸	۳
۵	۷	۱	۸	۳	۲	۶	۴	۹
۳	۶	۸	۹	۴	۱	۲	۷	۵
۲	۵	۷	۶	۹	۳	۴	۱	۸
۹	۱	۶	۵	۸	۴	۳	۲	۷
۸	۳	۴	۲	۱	۷	۵	۹	۶
۷	۴	۵	۳	۲	۸	۹	۶	۱
۱	۸	۹	۴	۵	۶	۷	۳	۲
۶	۲	۳	۱	۷	۹	۸	۵	۴

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۵۰۳۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ث	ب	ت	■	پ	ا	س	ی	و	■	ب	ی	د	ا	ر
۲	ن	ی	ا	ن	د	ر	ت	ا	ل	■	ا	و	ا	س	ط
۳	و	م	■	ج	ر	ا	ر	■	ا	ت	س	ز	■	م	ل
۴	ی	ا	ر	ا	■	م	گ	ا	■	ا	ت	ی	ل	ا	■
۵	ت	ر	ا	ب	ر	ی	■	م	ف	ت	ی	■	ح	ن	ا
۶	■	■	م	ت	ا	■	پ	ی	ر	■	ل	ی	ا	خ	ف
۷	ت	ک	ش	■	د	ی	ر	ب	ا	ز	■	ن	ف	ر	ت
۸	ا	ر	■	س	ن	ا	ن	■	ی	ا	س	ا	■	ا	ر
۹	ر	ی	م	ا	■	س	ی	ا	ن	و	ر	■	م	ش	ا
۱۰	ا	م	ا	ن	ت	■	ا	م	د	■	ی	ا	م	■	■
۱۱	چ	ب	ر	■	ه	ا	ن	ی	■	ا	ر	ت	ک	ا	ب
۱۲	■	ن	س	ن	ا	س	■	ر	ی	س	■	ر	ن	د	ه
۱۳	ک	ز	■	پ	ت	ا	س	■	ک	ا	ن	ا	■	ا	ی
۱۴	ا	م	ر	ا	ر	■	ب	ن	د	ر	ت	ر	ک	م	ن
۱۵	ک	ا	ه	ل	ی	■	ب	ی	ل	ا	ن	■	د	ه	ه